



University of Shahid Beheshti  
Faculty of Literature and Human Sciences  
Department of History

Journal of History of Iran

Vol 16, No 2, autumn & winter 2023

ISSN: 2008-7357

E-ISSN: 2588-6916



DOI: <https://doi.org/10.48308/irhj.2023.232997.1259>

DOR: <https://dorl.net/dor/20.1001.1.20087357.1402.16.2.10.8>

## Research Paper

# The history of women's awakening in Fārs: a Case Study of the first journalistic experiences of Fārs women in the Pahlavi Period

1. Ziba Ghafory 

1. PhD of history of Iran in the Islamic era, Department of history, shiraz University, shiraz, Iran.

Email: [ghafory.ziba@gmail.com](mailto:ghafory.ziba@gmail.com)

Received: 2023/09/03    PP 207-223    Accepted: 2023/10/21

## Abstract

After the constitutional revolution, women in the provinces, as well as in the capital, became involved in social activities such as the founding of schools, associations and newspapers. Women in Fārs and the city of Bushehr (which was part of the province during the Pahlavi period) also followed suit. This research attempts to determine the characteristics of women's first experiences in journalism and the people involved based on a descriptive-analytical method using archival documents. According to the research findings, Shaukat Salami, one of the leading educated women in Bushehr at the beginning of the Pahlavi period, founded the first school for girls in Bushehr with the help of dignitaries and merchants of the city. Later, she published the *Nurafshan* newspaper to achieve women's rights and their participation in political and social activities. Although it was a right-wing newspaper, *Nurafshan* published articles on women's demands in all its issues.

**Keywords:** Bushehr, newspaper, Shaukat Salami, *Noorafshan*.

**Citation:** Ghafori, Ziba. 2023. «*The History of the Awakening of Persian Women: a Case Study of the First Journalistic Experience of Persian Women in the Pahlavi Era*», *Journal of History of Iran*, Autumn and Winter, Vol 16, No 2, PP 207-223.



Copyright: © 2023 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



دانشگاه شهیدبهشتی  
دانشکده ادبیات و علوم انسانی  
گروه تاریخ

## مجله تاریخ ایران

سال ۱۶، شماره ۲، پاییز و زمستان، ۱۴۰۲  
شاپا الکترونیکی: 2588-6916  
شاپا: 2008-7357



DOI: <https://doi.org/10.48308/irhj.2023.232997.1259>

DOR: <https://dori.net/dor/20.1001.1.20087357.1402.16.2.10.8>

### مقاله پژوهشی

# تاریخ بیداری زنان فارس (مطالعه موردی: نخستین تجربه روزنامه‌نگاری زنان فارس در عصر پهلوی)

۱. زیبا غفوری

۱. دانش آموخته دوره دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. رایانامه: [ziba.ghafory@gmail.com](mailto:ziba.ghafory@gmail.com)

دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۱۲ صص ۲۰۸-۲۲۳ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۲۹

### چکیده

پس از انقلاب مشروطه، به تاسی از زنان پایتخت، زنان سایر ایالات نیز قدم به عرصه فعالیت‌های اجتماعی نهادند و به تأسیس مدارس و راه‌اندازی انجمن‌ها و روزنامه‌ها پرداختند. زنان ایالت فارس و شهر بوشهر نیز که در عصر پهلوی یکی از شهرستان‌های ایالت فارس محسوب می‌شد، به پیروی از زنان سایر مناطق ایران، به این عرصه قدم نهادند. پژوهش حاضر با اتکا به رویکرد توصیفی و تحلیلی و با استفاده از منابع آرشیوی و کتابخانه‌ای درصدد پاسخگویی به این پرسش است که نخستین تجربه روزنامه‌نگاری زنان در ایالت فارس چگونه بود و چه کسی یا کسانی در این امر نقش داشتند. براساس یافته‌های تحقیق، شوکت سلامی، از زنان پیشرو و تحصیل‌کرده ساکن بوشهر، ابتدا به کمک بزرگان و تجار برجسته شهر نخستین مدرسه دخترانه را در بوشهر تأسیس کرد و سپس با هدف احقاق حقوق زنان و مشارکت آنها در امور سیاسی و اجتماعی، روزنامه نورافشان را منتشر نمود. خطمشی این روزنامه راست‌گرا بود، اما در تمامی شماره‌های خود با انتشار مقالاتی به طرح مطالبات زنان پرداخت.

واژه‌های کلیدی: بوشهر، روزنامه، شوکت سلامی، نورافشان.

استناد: استناد: غفوری، زیبا. ۱۴۰۲. «تاریخ بیداری زنان فارس (مطالعه موردی: نخستین تجربه روزنامه‌نگاری زنان فارس در عصر پهلوی)». مجله تاریخ ایران، پاییز و زمستان، سال ۱۶، شماره ۲، ۲۰۸-۲۲۳.



Copyright: © 2023 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

## مقدمه

به حکم دین مبین اسلام و آیات قرآن کریم، زن و مرد با یکدیگر برابرند. خداوند در قرآن کریم مرد و زن را به یکسان خطاب قرار می‌دهد و رهنمودها و دستوراتش را به یکسان بر آنها نازل می‌نماید و آن دو را از یکدیگر جدا نمی‌کند؛ در قرآن زن و مرد از خلقت واحدی برخوردارند: «ای مردم، از پروردگارتان که شما را از نفس واحدی آفرید و جفتش را [نیز] از او آفرید... پروا نمایید» (نساء/۱). علاوه بر این، در باب وظایف و پاداش و کیفر نیز، قرآن زن و مرد را یکسان خطاب قرار می‌دهد: «پس پروردگارتان دعای آنان را اجابت کرد و [فرمود] من عمل هیچ صاحب عملی از شما را، از مرد یا زن، که از همدیگرید، تباه نمی‌کنم» (آل عمران/۱۹۵). همچنین در قرآن، زنان در القاب و مزایای انسانی و ایمانی همه جا هم‌پایه مردانند: «آن روز که مردان و زنان مؤمن را می‌بینی که نورشان پیشاپیششان و به جانب راستشان دوان است، [به آنها گویند]: امروز شما را مژده باد به باغ‌هایی که از زیر [درختان] آن نهرها روان است، در آنها جاودانید، این است همان کامیابی بزرگ» (الحدید/۱۲).

با این حال دلایل مختلفی سبب شد مسلمانان از قوانین اسلام دور بیفتند و زنان ایرانی تا عصر قاجار به اندرونی‌ها رانده شوند. زنان جنس دوم تلقی شدند و همواره اجحافات در حق آنان روا داشته شد. نامنی‌ها، پرهیز از رابطه با نامحرم و مواردی از این قبیل از علل محدود شدن زنان و محصور شدن آنها در خانه بود. در این میان، حتی لزوم سوادآموزی نیز برای زنان مطرح نبود. البته دختران طبقات متوسط و بالای جامعه از طریق معلم سرخانه خواندن و نوشتن را فرا می‌گرفتند. این وضعیت تا میانه عصر قاجار تداوم داشت تا اینکه آشنایی با اندیشه‌های جدید و غرب مردم را تحت تأثیر قرار داد و مسائلی نظیر سوادآموزی زنان، حضور بیشتر آنها در اجتماع، بر عهده گرفتن مشاغل گوناگون و حتی حضور آزادانه آنها در محافل و مجالس مطرح گردید. همسو با این تحولات، به تدریج عقاید زنان نیز دگرگون شد. انقلاب مشروطه نقطه عطفی در تغییر وضعیت زنان ایرانی است. آنها نه تنها در این انقلاب سهیم بودند، بلکه توانستند امتیازاتی چون تأسیس و گسترش مدارس دخترانه به سبک نوین را به دست آورند. زنان با حضور در اجتماع این فرصت را یافتند که برای طرح نظرات سیاسی و مطالبات خود انجمن‌هایی تشکیل دهند. همچنین برای رساندن صدای خویش به مردان و کل اجتماع، اقدام به تأسیس روزنامه نمودند. این امر ابتدا در تهران شروع شد و سپس به سرعت به شهرستان‌ها تسری یافت. پژوهش حاضر درصدد است به این سؤال پاسخ دهد که نخستین تجربه روزنامه‌نگاری زنان ایالت فارس چگونه بود و چه کسی یا کسانی در این امر نقش داشتند. بدیهی است بررسی این موضوع به شناخت ما از تاریخ اجتماعی بوشهر و نیز روند ورود زنان بوشهر به عرصه علم، دانش و فرهنگ کمک می‌کند. به نظر می‌رسد اقدامات شوکت

سلامی، از زنان پیشرو و تحصیل کرده ساکن بوشهر، در این زمینه بسیار مؤثر واقع گردید. او توانست نخستین مدرسه دخترانه و نخستین روزنامه زنان را در بوشهر راه‌اندازی کند.

تاکنون در باب شوکت سلامی و روزنامه نورافشان کتاب یا مقاله‌ای منتشر نشده است. اما در برخی پژوهش‌ها اشاراتی پراکنده و محدود در این زمینه دیده می‌شود. صدر هاشمی (۱۳۲۷) در کتاب تاریخ جراید و مطبوعات به روزنامه نورافشان و سال انتشار آن اشاره کرده است. پری شیخ‌الاسلامی (۱۳۵۱) نیز در کتاب زن در ایران و جهان: زنان روزنامه‌نگار و اندیشمند ایران، به صورت مختصر (در حد یک صفحه)، در باب فعالیت‌های شوکت سلامی سخن گفته است. غلامحسین صالحیار (۱۳۵۱) در کتاب چهره مطبوعات معاصر شناسنامه روزنامه نورافشان را در چند خط بیان کرده است. ابوترابی‌ان (۱۳۵۶) نیز در کتاب مطبوعات ایران از شهریور ۱۳۳۰ تا ۱۳۲۶ به ذکر یک سری اطلاعات کلی در باب روزنامه نورافشان شامل صاحب امتیاز، سردبیران، تاریخ انتشار، نخستین شماره، محل انتشار و موضع روزنامه بسنده کرده است. قاسم یاحسینی (۱۳۷۴) در کتاب مطبوعات بوشهر رکنی اساسی در تاریخ روزنامه‌نگاری ایران، در مقایسه با پژوهش‌های فوق، اطلاعات بیشتری در باب روزنامه نورافشان و زندگی شوکت سلامی در اختیار خواننده قرار داده است. صدیقه ببران (۱۳۸۱) نیز در کتاب نشریات ویژه زنان تنها شناسنامه روزنامه نورافشان را ذکر کرده است. سیروس رومی (۱۳۸۸) در کتاب شناسنامه مطبوعات فارس تنها به سال‌های آغاز و پایان، نوع نشریه و نام مدیر روزنامه نورافشان اشاره کرده است. عبدالکریم مشایخی (۱۳۹۵) در کتاب آموزش و پرورش شهرستان بوشهر درباره تأسیس نخستین مدرسه دخترانه نوین به همت سلامی به اختصار سخن گفته، اما به روزنامه نورافشان اشاره‌ای نکرده است. بنابراین، با توجه به نبود پژوهشی مستقل در باب نخستین تجربه روزنامه‌نگاری زنان فارس در عصر پهلوی، در این تحقیق ابتدا درباره وضعیت زنان ایران تا دوره مشروطه صحبت می‌کنیم و سپس به موضوع اصلی مقاله یعنی شوکت سلامی و روزنامه نورافشان می‌پردازیم.

روش تحقیق در پژوهش حاضر مبتنی بر روش تاریخی و به شیوه توصیفی و تحلیلی است. روش گردآوری اطلاعات نیز به صورت آرشیوی و کتابخانه‌ای است و روزنامه‌ها، منابع، کتب و مقالات مرتبط بررسی و اطلاعات لازم از آنها گردآوری شده است.

## وضعیت زنان در عصر قاجار

چنانچه در مقدمه ذکر شد، زن و مرد در قرآن از جایگاه واحدی برخوردارند. اما جوامع اسلامی به تدریج از قوانین دین اسلام دور شدند و براساس شرایط، رویه‌ای متفاوت از دستورات دینی در پیش گرفتند. جهل و نادانی و زور سه عامل مهمی هستند که در طول تاریخ موجبات بروز اجحاف و ظلم بر زنان را فراهم

آورده‌اند. فضای مردسالارانه جامعه ایران موجب شد زنان هرچه بیشتر به حاشیه رانده شوند و الگوی بانوی شایسته به تدریج به یک زن مطیع و منقاد و خاموش تنزل یابد.<sup>۱</sup>

از سوی دیگر حملات متعدد اقوام بیابان‌گرد نیز به سخت شدن وضعیت زنان منجر شد. پس از ورود اسلام به ایران تا دوران صفویه، ایران شاهد حملات متعدد اقوام بیابانگرد همچون ترکان و مغولان بود. این امر به ناامنی و ناآرامی‌های مکرر منجر گردید. با سقوط صفویان و از میان رفتن دولت مرکزی، دوباره ناامنی سراسر کشور را فرا گرفت. در سراسر این دوره و حتی پس از برآمدن قاجاریه (از دوران فتحعلی شاه تا پایان این سلسله)، درگیری، ناامنی و شورش‌های گاه و بیگاه سراسر کشور از جمله شهرها و روستاها و جاده‌ها را فرا گرفته بود. برای نمونه در سال ۱۲۹۲ ق تمام جاده‌های اطراف شیراز به اندازه‌ای ناامن بود که در آنها عبور و مرور صورت نمی‌گرفت.<sup>۲</sup> در سرتاسر این دوران مرزها و ایالات مدام دستخوش جنگ و شورش و درگیری بود. در چنین شرایطی تعرض به زنان جزو جدایی‌ناپذیر حملات و قشون‌کشی‌ها بود؛ مثلاً ترکمن‌ها طی حملات خود به نواحی شمالی ایران مردها را کشته و زنان را به اسارت بردند.<sup>۳</sup>

در چنین اوضاع آشفته‌ای زنان، به حکم ضرورت، هرچه بیشتر در خانه‌ها و اندرونی‌ها محصور شدند. هرچند دین اسلام حضور زنان را به شرط رعایت حجاب و عدم ارتباط با نامحرم، در اجتماع جایز شمرده بود، با گذشت زمان ناامنی، جهل، ناآگاهی و زور مانع از خروج زنان از خانه شد. این عوامل به تدریج لباس دین بر تن کرد و باعث ستم روزافزون بر زنان گردید. زنان نیز خود، به سبب ناآگاهی، آن را پذیرفتند. در واقع آنچه مبتنی بر قوانین عرف و اجتماع جامعه مردسالارانه بود، جنبه دینی یافت و عرصه را بر زنان هرچه تنگ‌تر کرد. علاوه بر این، در شرایط آشفته‌ای که جنگ، تعرض و ناامنی خروج از خانه و حضور در اجتماع را حتی برای مردان دشوار ساخته بود، ضعف جسمانی زنان، میزان آسیب‌پذیری آنها را بیشتر کرده بود و این از دیدگاه اجتماع علتی دیگر برای عدم خروج آنها از خانه بود. بدین ترتیب، اگرچه فضای پر از رقابت اندرونی‌ها نیز برای زنان چندان امن و آرام نبود، عرف جامعه و ناامنی‌ها، آنها را به ماندن در اندرونی تشویق می‌کرد.<sup>۴</sup>

دور بودن از اجتماع و عدم آموزش و تربیت صحیح و گرفتاری‌های زندگی در اندرونی نتیجه‌ای جز جهل

۱. نوشین احمدی خراسانی، *زنان زیر سایه پدرخوانده‌ها* (تهران: نشر توسعه، ۱۳۸۲)، ص ۲۸.

۲. علی‌اکبر سعیدی سیرجانی، *وقایع اتفاقیه* (تهران: نوین، ۱۳۶۲)، ص ۵۶.

۳. کتاب‌آبی، به کوشش احمد بشیری، ج ۱ (تهران: نشر نو، ۱۳۶۲)، ص ۱۲۴-۱۲۶.

۴. بشری دلریش، *زن در دوره قاجار* (تهران: دفتر مطالعات دینی هنر، ۱۳۷۵)، ص ۱۰۵.

۵. لازم به ذکر است که این شرایط بیشتر به جوامع شهری اختصاص داشت. در روستاها و در میان ایلات، زنان به واسطه شرایط زندگی، بیرون از منزل و در کنار مردان کار می‌کردند و تنها در شرایط بحرانی در خانه‌ها می‌ماندند. علاوه بر این، زنان جوامع شهری نیز در دوران امنیت و آرامش، در صورت لزوم، در جامعه حضور می‌یافتند. تاریخ ایران سرشار از نام‌زنانی است که در برهه‌های گوناگون منشأ امور مختلف اعم از خیر و شر شده و در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی فعالیت داشته‌اند.

و نادانی و بی‌ارادگی برای زنان نداشت. در واقع عامل اصلی تیره‌روزی زنان بی‌سوادی آنان بود. بنابراین، در عصر مشروطه مردان و زنان روشنفکر انتقادهای بسیاری به این وضعیت کردند و بحث سوادآموزی و تحصیل زنان مطرح گردید.

نظام آموزشی ایران تا دوره قاجاریه به روش سنتی و به سه شکل مکتبخانه، مدارس دینی (برای تحصیل علوم دینی پس از گذراندن دوره مکتبخانه) و تدریس خصوصی در خانه بود.<sup>۱</sup> دختران در مکتبخانه‌های مالباجی‌ها آموزش می‌دیدند و همچنین گاه به مکتبخانه‌های عمومی فرستاده می‌شدند. اما آموزش در مکتبخانه‌های عمومی معمولاً برای دختران به دوران چهار تا هفت سالگی محدود بود.<sup>۲</sup> تدریس خصوصی روش دیگری برای آموزش دختران بود که عمومیت نداشت و به خانواده‌های متمول اختصاص داشت. البته بسیاری از دختران در منزل نزد پدر، برادر، عمو، همسر و یا سایر محارم آموزش می‌دیدند و باسواد می‌شدند.<sup>۳</sup> مواد آموزشی در مکتبخانه‌ها و در منازل به آموزش قرآن، احکام مذهبی، مسائل دینی، دیوان حافظ، گلستان سعدی، مثنوی مولوی و خلاصه الحساب شیخ بهایی محدود بود.<sup>۴</sup> تا میانه عصر قاجار زنان از وضعیت مناسبی برخوردار نبودند. محصور بودن آنها در اندرونی موجب شده بود که از وضعیت اجتماع آگاهی چندانی نداشته باشند و از سویی مردان آنها را به چشم افرادی نادان و کم‌خرد بنگرند. آنچه بیش از همه باعث نابہ‌سامانی وضعیت زنان شده بود، بی‌سوادی آنها بود. این امر از دید زنان آگاه و روشنفکر عصر قاجار دور نمانده بود و آن را باعث بدبختی و بیچارگی زنان می‌دانستند. تاج‌السلطنه، دختر ناصرالدین شاه، از جمله کسانی است که به این مسئله اشاره می‌کند:

خیلی محزون و دلتنگ هستم که چرا همجنس‌های من یعنی زن‌های ایران حقوق خود را ندانسته و هیچ درصدد تکلیفات انسانی خود بر نمی‌آیند و به طور کلی از جرگه تمدن خارج گشته و در وادی بی‌علمی و بی‌اطلاعی سرگردان هستند. مثل اینکه در اغلب خانواده‌ها می‌گویند این عیب است برای ما که دختر ما به مدرسه برود و باز در همچو روزی، آن بیچاره‌ها را در مفاک هلاک و بدبختی پرورش می‌دهند.<sup>۵</sup>

آشنایی با فرهنگ غرب در عصر قاجار، تأثیرات مهمی بر وضعیت زنان گذاشت. رفت و آمد به اروپا، تأسیس مدارس جدید، انتشار روزنامه‌های آزاد و نیز ورود روزنامه‌های چاپ خارج از ایران به داخل کشور

۱. رابرت گرانٹ واتسن، *تاریخ ایران در دوره قاجار*، ترجمه عباسقلی (بی‌جا: بی‌نا، ۱۳۴۰)، ص ۱۱.  
 ۲. اقبال قاسمی پویا، *مدارس جدید در دوره قاجاریه*، بانیان و پیشروان (تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۷)، ص ۸۷.  
 ۳. عبدالله مستوفی، *شرح زندگانی من (تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه)*، ج ۱ (تهران: زوار، ۱۳۲۱)، ص ۱۲۶.  
 ۴. سهیلا ترابی فارسانی، *اسنادی از مدارس دخترانه از مشروطیت تا پهلوی* (تهران: سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۸)، ص ۱۰.  
 ۵. تاج‌السلطنه، *خاطرات تاج‌السلطنه*، به کوشش منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان (تهران: نشر تاریخ، ۱۳۷۸)، ص ۱۲.

موجب آگاهی زنان و آشنایی آنها با حقوق خود شد.<sup>۱</sup> روزنامه‌های فارسی‌زبان خارج از ایران در افزایش آگاهی زنان نقش مؤثری داشتند. مثلاً روزنامه‌ی ثریا بر آموزش و پرورش دختران و پسران به طور یکسان تأکید و آن را عامل پیشرفت کشور معرفی می‌کند.<sup>۲</sup> در روزنامه‌ی اختر نیز از ضرورت تربیت دختران سخن گفته می‌شود و تربیت زنان اساس تربیت فرزندان و جامعه دانسته می‌شود.<sup>۳</sup>

بی‌تردید اولین گام برای تغییر وضعیت زنان، آگاه کردن آنها از حقوق خود و علت پایمال شدن آن بود. این عمل آنها را به حضور در اجتماع و شرکت در امور سیاسی و اجتماعی ترغیب کرد. بدین ترتیب، زنان در انقلاب مشروطه و حوادث پس از آن نقش چشمگیری داشتند. آگاه کردن شاه از نابه‌سامانی وضعیت کشور و مهاجرت علما و خواسته‌های آنان<sup>۴</sup>، تهیه‌ی مخارج بست‌نشینان در سفارت انگلیس<sup>۵</sup>، کمک به گردآوری سرمایه‌ی لازم برای تأسیس بانک ملی<sup>۶</sup>، مخالفت با اولتیماتوم روسیه<sup>۷</sup>، حضور در جبهه‌های نبرد در تبریز<sup>۸</sup> از جمله نمونه‌های حضور گسترده و قابل توجه زنان در این انقلاب بود. علاوه بر این، در دوران استبداد صغیر، زنانی که عضو انجمن نسوان سعادت بودند، برای تأمین مخارج رزمندگان بختیاری در هنگام فتح اصفهان پیش‌قدم شدند.<sup>۹</sup>

به‌رغم تمامی تلاش‌ها و همراهی‌ها در به ثمر رساندن انقلاب مشروطه، زنان سود چندانی از این انقلاب نصیبشان نشد. آنها نه تنها حق ورود به مجلس را نیافتند، بلکه حق رأی نیز به آنها داده نشد. ملکزاده در کتاب *تاریخ انقلاب مشروطیت ایران* در باب وضعیت زنان در این دوره می‌نویسد:

آنچه ما در این کتاب نگاشتیم شرح حال مردها بود و از زن‌ها که نیمی از جمعیت ایران را تشکیل می‌دهند، نامی برده نشد، زیرا به قول عوام داخل آدم نبودند و در جمع و خرج داخل نبودند. در کشور استبدادی ایران ظلم و ستمگری عادت و طبیعت ثانوی مردم شده بود و هر کس قوی‌تر و زورمندتر بود نسبت به مادون خود ظلم می‌کرد و چون زن‌ها از همه ضعیف‌تر بودند، مظلوم‌ترین طبقات ایرانی محسوب می‌شوند... زن‌ها را به حدی تحقیر می‌کردند که مردها آنها را ضعیفه می‌گفتند و از بردن نام آنها خودداری می‌کردند.<sup>۱۰</sup>

۱. سعید زاهد، بیژن خواجه نوری، جنبش زنان در ایران (شیراز: ملک سلیمان، ۱۳۸۴)، ص ۶۸-۷۷.

۲. ثریا، س ۱، ش ۱۰ (۱۹ شعبان ۱۳۱۶ / ۳۱ دسامبر ۱۸۹۹)، ص ۱۰.

۳. اختر، س ۲، ش ۳۶ (۱۰ صفر ۱۲۹۳ / ۷ مارس ۱۸۷۶)، ص ۱.

۴. ناظم‌الاسلام کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، ج ۲ (تهران: نوین، ۱۳۶۲)، ص ۳۹۵.

۵. حسن اعظام قدسی، کتاب خاطرات من (یا روشن شدن تاریخ صد ساله)، ج ۲ (بی‌جا: بی‌نا، ۱۳۴۲)، ص ۱۲۹-۱۳۰.

۶. کرمانی، ص ۵۵.

۷. مورگان شوستر، اختناق در ایران، ترجمه‌ی عبدالحسین شوشتری (تهران: صفی‌علیشاه، ۱۳۵۱)، ص ۱۸۸-۱۹۸.

۸. میخائیل پاولویچ، سه مقاله درباره‌ی مشروطه، ترجمه‌ی م. هوشیار (تهران: حبیبی، ۱۳۵۷)، ص ۵۵.

۹. حبل‌المتین، س ۱۶، ش ۳۳ (۲۲ صفر ۱۳۲۷)، ص ۱۸.

۱۰. مهدی ملکزاده، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، ج ۲ (تهران: علمی، ۱۳۷۱)، ص ۵۸.

با این حال زنان از پاننشستند و همچنان به تلاش خود برای بهبود وضعیت زنان و تغییر نگاه جامعه به آنها ادامه دادند. تأسیس مدارس، انجمن‌ها و روزنامه‌ها به منظور آگاه نمودن زنان از حقوق و توانایی‌های خود از جمله اقدامات آنها در این مسیر بود.

آموزش و پرورش زنان به سبک نوین قبل از انقلاب مشروطه آغاز شده بود. نخستین تلاش‌ها در این جهت به همت میسیونرهای مذهبی اروپایی و امریکایی صورت گرفت. هیئت مبلغان امریکایی نخستین مدرسه میسیونری را در شوال ۱۲۵۴ق/دی ۱۲۱۴ش در ارومیه تأسیس کردند. آنان آموزش دختران را نیز به طور جدی مد نظر داشتند. با وجود مقاومت‌ها، امریکایی‌ها در سال ۱۲۵۴ق/۱۲۱۷ش یک مدرسه دخترانه در ارومیه تأسیس کردند.<sup>۱</sup> به تدریج تعداد مدارس دخترانه رو به گسترش نهاد و با وجود مخالفت‌های بسیار، زنان خود به تأسیس مدارس برای دختران همت گماشتند. نخستین بار طوبی رشديه در سال ۱۳۲۱ق/۱۲۸۰ش، در قسمتی از منزل خود، مدرسه‌ای دخترانه به نام «پرورش» دایر کرد.<sup>۲</sup> بعد از این واقعه، مدارس دخترانه یکی پس از دیگری تأسیس شدند.

انجمن‌های زنان از دیگر ارکانی بودند که پس از انقلاب مشروطه، همسو با حمایت از حقوق زنان و تلاش برای ورود آنان به اجتماع، ایجاد گردیدند. انجمن آزادی زنان یکی از نخستین انجمن‌ها بود که در سال ۱۳۲۴ق تأسیس شد. در میان اعضای این انجمن نام دو تن از دختران ناصرالدین شاه، تاج‌السلطنه و افتخارالسلطنه، دیده می‌شود.<sup>۳</sup>

نخستین تلاش زنان برای ورود به عرصه مطبوعات به دوران انقلاب مشروطه بازمی‌گردد. آنها ابتدا به چاپ مقالاتی در روزنامه‌هایی همچون مجلس، ندای وطن، حبل‌المتین و صور اسرافیل پرداختند. در این برهه زنان خواسته‌ها و اعتراضات و انتقادهای خویش را در باب اموری نظیر حق آموزش زنان، نظامنامه انتخابات و مشارکت در امور سیاسی در قالب نامه‌های سرگشاده به نشریات و روزنامه‌ها می‌فرستادند و آنها نیز این نامه‌ها را چاپ می‌کردند. لازم به ذکر است این نامه‌ها اغلب با نام مستعار منتشر می‌شدند.<sup>۴</sup> در دوره مجلس اول، زنان خواسته‌ها و نظرات خویش را از طریق روزنامه‌های مشروطه‌خواه منتشر می‌کردند، اما به تدریج خود به فکر تأسیس روزنامه افتادند و مستقیماً قدم به عرصه روزنامه‌نگاری نهادند. بدین ترتیب، در ۱۰ رمضان ۱۳۲۸ق/۱۵ سپتامبر ۱۹۱۰م، نخستین نشریه زنان به همت بانو کحال با عنوان روزنامه دانش در تهران منتشر گردید. وی نخستین بانوی چشم‌پزشک ایرانی بود که

۱. مونیکا ام. رینگر، آموزش، دین و گفتمان اصلاح فرهنگی در دوران قاجار، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه (تهران: ققنوس، ۱۳۸۱)، ص ۱۲۸-۱۲۹.

۲. شمس‌الدین رشديه، سوانح عمر (تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۲)، ص ۱۴۸.

۳. زانت آقاری، انجمن‌های نیمه سری زنان در نهضت مشروطه، ترجمه جواد یوسفیان (تهران: نشر بانو، ۱۳۷۷)، ص ۲۳-۲۴.

۴. حبل‌المتین، س ۱۴، ش ۱۷ (دوشنبه ۱۶ شوال ۱۳۲۴/۳ دسامبر ۱۹۰۶)، ص ۷-۸؛ حبل‌المتین، س ۱۴، ش ۴۰ (۲۱ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵/۳ ژوئن ۱۹۰۷)، ص ۱۵-۱۶؛ صور اسرافیل، س ۱، ش ۸ (۲۱ جمادی‌الاول ۱۳۲۵)، ص ۴.



نزد میسیونرهای آمریکایی تعلیم دیده و از آنها اجازه طبابت یافته بود.<sup>۱</sup> کحال در این روزنامه به مسائل سیاسی توجهی نداشت و تنها به امور مربوط به زنان نظیر بچه‌داری، خانه‌داری، شوهرداری، سوادآموزی زنان، حفظ الصحه یا مسائل بهداشتی می‌پرداخت.<sup>۲</sup>

شکوفه دومین نشریه زنان بود که به مدیریت مریم عمید، ملقب به مزین السلطنه، از ذیحجه ۱۳۳۰ تا ذیقعد ۱۳۳۴ قمری در تهران منتشر گردید. خطمشی این روزنامه نیز مشابه دانش بود.<sup>۳</sup> *زبان زنان* سومین روزنامه بود که صدیقه دولت‌آبادی در ۲۰ شوال ۱۳۳۷ ق/ ۱۹۱۹ م در اصفهان منتشر کرد. این روزنامه تنها مقالات زنان را منتشر می‌نمود. ابتدا به مسائلی نظیر خانه‌داری، بهداشت و شوهرداری توجه داشت، اما بعد به طرح مسائل سیاسی و فمینیستی پرداخت.<sup>۴</sup> *روزنامه بعدی نامه بانوان* بود که در ذیقعد ۱۳۳۸ / ژوئیه ۱۹۲۰ در تهران، به همت شهناز آزاد منتشر گردید. در همین سال روزنامه‌های *عالم نسوان* به مدیریت نوابه صفوی در تهران و جهان زنان به همت فخر آفاق پارسا و همسرش در مشهد منتشر گردید. *مجله جمعیت نسوان وطن‌خواه ایران* در سال ۱۳۰۲ ش به مدیریت انجمنی به همین نام و به صاحب امتیازی ملوک اسکندری در تهران منتشر شد. *روزنامه بعدی نامه نسوان شرق* بود که مرضیه ضرابی در سال ۱۳۰۴ ش در بندر انزلی منتشر کرد. *پیک سعادت نسوان* نیز در سال ۱۳۰۶ ش در شهر رشت به همت روشنک نوع‌دوست منتشر شد. در نهایت نیز *روزنامه نورافشان* در سال ۱۳۰۹ ش در بوشهر چاپ گردید.<sup>۵</sup>

## وضعیت زنان بوشهر

زنان بوشهر نیز مانند زنان سایر نقاط ایران در عصر قاجاریه و ابتدای پهلوی از لحاظ آموزش، سواد و بهره‌مندی از حقوق انسانی از وضعیت مناسبی برخوردار نبودند. محیط مردسالار و سنتی بوشهر (همچون سایر نقاط ایران در برهه مذکور) اجازه نمی‌داد زنان در اجتماع حضور یابند. سوادآموزی برای زنان نه تنها لازم دانسته نمی‌شد، بلکه مضر و خطرناک نیز تلقی می‌شد، زیرا ممکن بود باعث ارتباط ناسالم زن و مرد گردد. از این رو عقیده داشتند زنان در حد تعلیم قرآن سواد داشته باشند کافی است.<sup>۶</sup> به‌رغم این نگاه، برخی از مردم، به‌ویژه اشراف و اعیان، دختران خود را در سنین پایین به مکتبخانه‌ها می‌فرستادند و یا در خانه تحت نظر ملاباجی‌ها تعلیم می‌دادند. زنان خانواده‌های مذهبی نیز در این دسته قرار داشتند. برای

۱. ل. رابینو، *روزنامه‌های ایران از آغاز تا سال ۱۳۲۹ ق*، ترجمه و تدوین جعفر خمامی‌زاده (تهران: اطلاعات، ۱۳۷۲)، ص ۱۴۱.  
۲. دانش، س ۱، ش ۱ (۱۰ رمضان ۱۳۲۸)، ص ۲؛ دانش، س ۱، ش ۱ (پنجشنبه ۲۴ رمضان ۱۳۲۸)، ص ۷؛ دانش، ش ۳ (۹ شوال ۱۳۲۸)، ص ۱.  
۳. پری شیخ‌الاسلامی، *زن در ایران و جهان: زنان روزنامه‌نگار و اندیشمند ایران* (تهران: ماز گرافیک، ۱۳۵۱)، ص ۸۳.  
۴. *زبان زنان*، س ۲، ش ۹ (۳ رمضان ۱۳۳۸)، ص ۴؛ *ژانت آقاری*، «کنار از میان صخره و گرداب: دگرگونی نقش زن و مرد در ایران قرن بیستم»، *ایران‌نامه*، ش ۵۹ (تابستان ۱۳۷۶)، ص ۳۷۳.  
۵. شیخ‌الاسلامی، ص ۸۲-۱۴۷؛ محمد صدر هاشمی، *تاریخ جراید و مطبوعات (اصفهان: انتشارات کمال، ۱۳۲۷)*، ص ۲۶۲-۲۶۷ و ۲۶۷/۲ و ۱۸۲/۲.  
۶. تملن، س ۱، ش ۱۲ (۷ ربیع‌الاول ۱۳۲۵)، ص ۴.

مثال دختر آیت‌الله بلادی بوشهری، فاطمه بلادی، شاعری برجسته بود. کتاب شعری از او با عنوان فائزه به جای مانده که حاوی اشعاری به سبک شعرای برجسته همچون سعدی و حافظ است.<sup>۱</sup> با این حال، تعداد این‌گونه زنان در بوشهر اندک بود. بنابراین، تعدادی از اهالی بوشهر در صدد حمایت از سوادآموزی زنان برآمدند و بر تأسیس مدارس دخترانه تأکید کردند. روزنامهٔ مظفری به سردبیری میرزا علی آقا لیبب‌الملک در این زمینه بسیار کوشید. در نهایت، با حمایت بزرگان بوشهر، نخستین مدرسهٔ دخترانه به سبک جدید به همت شوکت سلامی (مؤسس روزنامهٔ *نورافشان*) تأسیس شد. در ادامه فعالیت‌های شوکت سلامی به‌عنوان نخستین زن مؤسس مدرسهٔ دخترانه و نیز نخستین زن روزنامه‌نگار در بوشهر شرح و بررسی خواهد شد.

### شوکت سلامی، نخستین بانوی روزنامه‌نگار ایالت فارس

شوکت سلامی در خانواده‌ای متوسط و مذهبی در شهر همدان دیده به جهان گشود. وی آموزش‌های ابتدایی را در همان شهر به پایان رساند و سپس به منظور فراگرفتن علوم دینی و اسلامی و ادامهٔ تحصیل او را به نجف اشرف در عراق فرستادند. در این شهر مدتی را به فراگرفتن عربی، فقه و اصول سپری کرد و همزمان با انقلاب مشروطه به ایران آمد.<sup>۲</sup> وی در شهر شیراز به همسری عباس سلامی، وکیل دادگستری شهر بوشهر، درآمد و همراه وی راهی این شهر گردید.<sup>۳</sup>

در آن زمان بوشهر مدارس دخترانه نداشت و تنها چند مکتبخانه در این شهر دایر بود که عم‌جزء و گلستان در آنها تدریس می‌شد. اشراف نیز برای آموزش دختران خود معلم سرخانه استخدام می‌کردند. شوکت سلامی با حمایت همسرش و نیز مساعدت و همکاری برخی از تجار و بازرگانان برجسته و علم‌دوست بوشهر، به‌ویژه معین‌التجار بوشهری، اقدام به تأسیس اولین مدرسهٔ دخترانه به سبک نوین در بوشهر کرد. این مدرسه «بنات نسوان»<sup>۴</sup> نام گرفت که در کنار مسجد شیخ سعدون در محلهٔ کوتی قرار داشت.<sup>۵</sup>

به دلیل پایین بودن سطح فرهنگ جامعه و وجود برخی پندارهای مذهبی در باب ضرورت نداشتن تحصیل بانوان، از مدرسهٔ بنات نسوان در آغاز استقبال خوبی نشد و مردم روی خوش به آن نشان ندادند. حتی برخی از روحانیون قشری به مبارزه با آن برخاستند. اما شوکت سلامی عقب‌نشست و به منظور خنثی کردن اقدامات مخالفان، سراغ مجتهدان و روحانیون طراز اول شهر رفت و موفق شد از برخی از

۱. منوچهر آتشی، «لدیت اندوه»، هفته‌نامهٔ *آئینهٔ جنوب*، بوشهر، س ۲، ش ۴۹ (بهار ۱۳۷۴)، ص ۵.

۲. قاسم یاحسینی، *مطبوعات بوشهر رکنی اساسی در تاریخ روزنامه‌نگاری ایران* (بوشهر: ادارهٔ کل فرهنگ ارشاد اسلامی استان بوشهر، ۱۳۷۴)، ص ۹۷.

۳. شیخ‌الاسلامی، ص ۱۷۵.

۴. بعداً به مدرسهٔ دخترانهٔ معینی تغییر نام داده شد و تاکنون در ساختمانی مجاور استانداری بوشهر فعال است.

۵. یاحسینی، ص ۹۸.

آنان فتوای مجاز بودن تحصیل دختران در مدارس نوین را بگیرد. آیت‌الله سید عبدالله مجتهد بلادی یکی از این مجتهدان بود که به تازگی از نجف اشرف به بوشهر آمده بود. با کسب موافقت و رضایت علما و روحانیون، به تدریج دیدگاه مردم نیز در این باب تغییر یافت و دختران خود را به این مدرسه فرستادند.<sup>۱</sup> پس از چند سال تلاش، مدرسه بنات رونق گرفت و حتی برخی از مکتبخانه‌های سنتی مخصوص دختران نیز در این مدرسه ادغام شدند. یکی از این مکتبخانه‌ها مکتبخانه ملاباجی بود. بانو ملامباجی، چهل سال قبل از سلامی، ابتدا مکتبخانه علوم دینی و زبان فارسی را در بوشهر اداره می‌کرد و سپس مدرسه معینییه را تأسیس کرده و در بین مردم بوشهر از محبوبیت زیادی برخوردار بود. اما شوکت سلامی موفق شد مکتبخانه او را در مدرسه بنات نسوان ادغام کند.<sup>۲</sup>

با گذشت زمان مدرسه کم‌کم دچار مشکلات مالی و اقتصادی فراوانی شد. اکثر دخترانی که به مدرسه بنات نسوان می‌آمدند توان مالی نداشتند و رایگان تحصیل می‌کردند. با افزایش بحران مالی، مدرسه در آستانه تعطیلی قرار گرفت. اما در این زمان موسس خان ارمنی، یکی از رؤسای معارف پرور گمرک بوشهر، به کمک سلامی شتافت و با اخذ ده شاهی از هر عدل قماش واردشده به گمرک بوشهر و اختصاص دادن آن به مدرسه، نوعی درآمد مستمر برای مدرسه ایجاد کرد و آن را از تعطیلی نجات داد. با به قدرت رسیدن رضاخان و ایجاد نهادهای آموزشی نوین، سلامی در سال ۱۳۰۵ش دومین دبستان دخترانه دولتی را در بوشهر به نام «شاهدخت» بنیان نهاد. این دبستان در آغاز تنها دو کلاس داشت. اما در سال ۱۳۱۴ش تعداد کلاس‌های آن به شش عدد رسید و در سال ۱۳۱۵ش از دبستان به دبیرستان تغییر یافت و سلامی مدیر اولین دبیرستان دخترانه در بوشهر شد.<sup>۳</sup>

در سال ۱۳۱۱ش عباس سلامی، همسر بانو سلامی، به ضرب گلوله یک استوار ارتش کشته شد. سلامی در سال ۱۳۱۶ش با سید علی علوی بهبهانی، مشهور به سید علی صحاف، مدیر چاپخانه علوی بوشهر ازدواج کرد.<sup>۴</sup>

سلامی از زنان تحصیل کرده و آگاه عصر خود بود که در راه توسعه آموزش و پرورش بانوان و ترویج فرهنگ جدید در بوشهر تلاش‌های فراوانی کرد و در این مسیر گام‌های مؤثری برداشت. وی حدود ۴۰ سال برای ارتقای آموزش و پرورش دختران بوشهر زحمت کشید و در این راه مشقات فراوانی تحمل نمود. وی بعد از ده سال تلاش فرهنگی و اجتماعی، از خدمت در اداره فرهنگ و آموزش و پرورش بازنشسته شد. پس از بازنشستگی به شیراز رفت و تا پایان عمر در این شهر اقامت گزید و سرانجام بعد

۱. عبدالکریم مشایخی، آموزش و پرورش شهرستان بوشهر (قم: صحیفه خرد: ۱۳۹۵)، ۱۱۰.

۲. شیخ‌الاسلامی، ص ۱۷۱.

۳. مشایخی، ص ۱۱۰-۱۱۱.

۴. یاحسینی، ص ۹۹.

از تحمل یک دوره بیماری در سال ۱۳۴۸ دیده از جهان فرو بست. وی با اینکه زندگی متوسطی داشت، همه دارایی‌اش را پس از مرگ به سازمان شیر و خورشید سرخ اهدا کرد.<sup>۱</sup>

### روزنامه نورافشان

روزنامه نورافشان در سال ۱۳۰۹ ش به همت شوکت سلامی در شهر بوشهر منتشر شد. نورافشان نخستین روزنامه‌ای است که به دست زنان در ایالت بزرگ فارس منتشر شد. اکثر منابع انتشار نخستین شماره این روزنامه را در شهریور ۱۳۰۹ ثبت کرده‌اند، اما ابوترابیان انتشار اولین شماره آن را در مرداد ۱۳۰۹ می‌دانند.<sup>۲</sup>

نورافشان آخرین روزنامه‌ای بود که در دوران زمامداری رضاشاه پهلوی در بوشهر انتشار یافت و از آن پس تا سقوط وی هیچ نشریه دیگری در این شهر اجازه انتشار نیافت. مطالب نورافشان را هیئت تحریریه‌ای مرکب از عبدالحمید عطایی، محمدکاظم عطایی، عبدالرحیم جعفری و بانو سلامی تهیه می‌کردند. این روزنامه به طور هفتگی در چاپخانه علوی بوشهر، در تیراژ ۳۰۰ تا ۴۰۰ نسخه و در ۴ تا ۶ صفحه، منتشر می‌گردید.<sup>۳</sup>

نورافشان به‌زودی مورد توجه محافل ادبی و خصوصاً محافل فرهنگی زنان سراسر ایران قرار گرفت. مجله عالم‌نسوان که در تهران منتشر می‌شد، در یکی از شماره‌های خود «تولد» روزنامه نورافشان را به تمامی زنان بوشهر و شوکت سلامی تبریک گفت.<sup>۴</sup>

نورافشان از سال ۱۳۰۹ تا ۱۳۱۱ به طور مرتب هر هفته در بوشهر منتشر می‌گردید. اما در سال ۱۳۱۱ عباس سلامی، همسر بانو سلامی و مدیر داخلی روزنامه، به قتل رسید. بدین ترتیب، دوره نخست انتشار این روزنامه به پایان رسید و نورافشان به مدت شش سال تعطیل شد. با تأسیس اداره ثبت و ضرورت چاپ آگهی‌های ثبتی در روزنامه‌های محلی بوشهر، دوره دوم انتشار نورافشان از بهار ۱۳۱۶ آغاز گردید. شوکت سلامی که بعد از مرگ همسرش با سید علی بهبهانی ازدواج کرده بود، با همکاری او مجدداً نورافشان را منتشر نمود. اما انتشار دوره دوم نورافشان با واکنش و اخطار وزارت معارف مواجه گردید. چون اداره معارف بوشهر انتشار مجدد روزنامه را به تهران اطلاع نداده بود و همچنین مراحل قانونی انتصاب مدیر داخلی روزنامه طی نشده بود، وزارت معارف به روزنامه نورافشان اخطار داد. علاوه بر این، شماره‌های قبلی نورافشان نیز تا زمان مذکور به مرکز ارسال نشده بود. در پی اخطار وزارت معارف، روزنامه نورافشان سعی کرد مراحل قانونی را انجام دهد و مدارک لازم را به وزارت معارف ارسال کند.

۱. شیخ‌الاسلامی، ص ۱۷۱.

۲. ابوترابیان، ص ۱۵۸.

۳. سیروس رومی، شناسنامه مطبوعات فارس (شیراز: نوید شیراز، ۱۳۸۸)، ص ۱۲۵.

۴. یاحسینی، ص ۱۰۱.

بدین ترتیب، در سال ۱۳۲۲ مجوز انتشار روزنامه *نورافشان* مجدداً به نام شوکت سلامی به شرح زیر صادر گردید:

وزارت فرهنگ اداره کل نگارش... تاریخ ۱۴ مهر ۱۳۲۲ [۱]- اداره کل شهربانی- به موجب قانون مطبوعات مصوب سوم دی‌ماه ۱۳۲۱ [۱] شورای عالی فرهنگ امتیاز روزنامه *نورافشان* را به نام بانو شوکت سلامی تصویب نموده است که در بوشهر به مدیری و سردبیری خود ایشان منتشر شود...<sup>۱</sup>

محتوای مقالات دوره دوم *نورافشان* بیشتر درباره اخبار محلی، آگهی و اعلانات ثبتی و برخی مطالب مفید علمی و تاریخی بود و نیز برخی کتب تاریخی به صورت پاورقی در روزنامه چاپ می‌شد. این روزنامه غالباً اعلان‌ها و اعلامیه‌های دولتی را به چاپ می‌رساند و در ستونی با عنوان «گونگون» مقالات و اخبار علمی و سرگرم‌کننده را منتشر می‌کرد. لازم به ذکر است به دلیل نبود آرشیو کاملی از این روزنامه، اظهار نظر دقیق‌تر در باب آن ممکن نیست. اگرچه سیروس رومی در کتاب *شناسنامه مطبوعات فارس* از وجود شماره‌های ۳ تا ۲۲۱ روزنامه *نورافشان* در کتابخانه و مرکز اسناد دانشگاه تهران خبر داده است، اما هیچ شماره‌ای از این روزنامه در آرشیوهای دانشگاه تهران وجود ندارد. تنها سه شماره از آن در آرشیو کتابخانه ملی و مرکز اسناد تهران موجود است. در سایر آرشیوهای تهران و شهرهای بوشهر و شیراز نیز شماره‌ای از این روزنامه به دست نیامد. لازم به ذکر است اطلاعات منابعی نظیر کتاب *مطبوعات بوشهر رکنی اساسی در تاریخ روزنامه‌نگاری ایران*، اثر قاسم یاحسینی، حاصل مصاحبه و گفت‌وگو با سالمندان بوشهری است که روزنامه مذکور و شوکت سلامی را به یاد داشته‌اند. بنابراین، ذکر اطلاعات بیشتر در باب این روزنامه و تحلیل محتوا و سبک و سیاق آن ممکن نیست.

الول ساتن، مأمور سیاسی دولت انگلیس و وابسته مطبوعات این کشور در ایران، طی مقالاتی که در انستیتوی ایران‌شناسی در سال ۱۹۸۶ منتشر نمود، مشی سیاسی و موضع اجتماعی *نورافشان* را در سال‌های پس از شهریور ۱۳۲۰ «کمی راست‌گرا» توصیف کرد. *نورافشان* به حکومت پهلوی وفادار بود.<sup>۲</sup> سلامی در روزنامه خود به زنان نیز توجه داشت و مطالبی در باب حقوق زنان منعکس می‌نمود. در اکثر شماره‌های روزنامه مقالاتی در باب خانواده، بارداری، تولد نوزاد، شوهرداری و طلاق منتشر می‌شد. علاوه بر این، اخبار سایر نشریات زنان در تهران و سراسر نقاط کشور در این روزنامه درج می‌شد.<sup>۳</sup>

در ادامه بخشی از یکی از مقالات *نورافشان* با عنوان «انتخاب همسر» که به قلم شوکت سلامی نگاشته

۱. کتابخانه ملی و مرکز اسناد، س ۱۳۲۲، ۰۳۶۴۰۵/۳۶۰۱، ۱.

۲. ابوترابیان، ص ۱۵۸.

۳. یاحسینی، ص ۱۰۱-۱۰۲.

شده است، آورده می‌شود:

... محرم راز انسان همسر اوست و از او در کشاکش دهر استمداد می‌جوید. شاید در میان اشخاصی که این مقاله را می‌خوانند مردانی باشند که زن‌های خود را در بسیاری از امور ناچیز شمرده و فکر نمایند آنها تا این اندازه اهمیت ندارند که در کارهای بزرگ با ایشان تشریک مساعی کنند، یعنی زنان را کوتاه‌نظر دانسته آنان را برای مداخله در امور ناقص بدانند ... [اما] به طوری که تاریخ می‌گوید و اکنون نیز با چشم می‌بینیم، زن از قدیم در میدان نبرد و هنگام آشتی بر سریر فرمانداری، در امور خانوادگی و غیره با مرد همقدم بوده است. آیا برای آنها کافی نیست که بناپارت درباره‌شان بگوید: مادر با یک دست گهواره و با دست دیگر جهان را تکان می‌دهد.<sup>۱</sup>

به نظر پری شیخ‌الاسلامی، نویسنده اکثر مقالات منتشرشده در باب زنان و حقوق آنها در روزنامه *نورافشان* (که در سراسر دوره انتشار این روزنامه، به‌ویژه در دوره دوم آن، به وفور دیده می‌شدند) بانوان تحصیل کرده هندوستان، عربستان و انگلستان بودند. به عقیده او شوکت سلامی از نهضت زنان اطلاع چندانی نداشت و درگیر آن نبود.<sup>۲</sup>

روزنامه *نورافشان* در دوران حیات خود مشکلاتی را از سر گذراند و در دوره‌های زمانی مختلف تعطیل شد و سپس دوباره فعالیت خود را از سر گرفت. در باب دوره‌های تعطیلی و زمان انتشار مجدد روزنامه *نورافشان* اطلاعات دقیقی در دست نیست. منابع مختلف دوره‌ها و زمان‌های مختلفی را ذکر می‌کنند. همان‌گونه که گفته شد، دوره دوم *نورافشان* از سال ۱۳۱۶ شمسی آغاز شد. در سال ۱۳۲۲ مجوز انتشار جدیدی برای *نورافشان* صادر شد. دقیقاً مشخص نیست که در فاصله انتشار دوباره روزنامه در سال ۱۳۱۶ تا سال ۱۳۲۲ که مجوز جدیدی برای آن صادر شد، آیا انتشار آن ادامه داشته است و یا اینکه به خاطر اخطار وزارت معارف، انتشار روزنامه متوقف شده و سپس در سال ۱۳۲۲ مجدداً آغاز به کار کرده است. به هر حال، دوره جدید انتشار *نورافشان* با مجوز تازه از سال ۱۳۲۲ شروع شد و حداقل تا سال ۱۳۲۳ تداوم یافت، زیرا روزنامه پیغام که در شیراز منتشر می‌شد، در سال ۱۳۲۳ پیامی برای تشکر از روزنامه *نورافشان* منتشر کرده است:

روزنامه شریفه *نورافشان*، منطبعه بوشهر که از جراید کهن سال کشور است و در مدت ۷ سال خدماتی گرانبها به بنادر جنوب نموده است، انتشار روزنامه پیغام را شادباش گفته [است]...<sup>۳</sup>

۱. *نورافشان*، س ۲، ش ۱۹ (۲۹ خرداد ۱۳۱۷)، ص ۱.

۲. شیخ‌الاسلامی، ص ۱۷۱.

۳. پیغام، س ۱، ش ۱۸ (فروردین ۱۳۲۳)، ص ۳.

نسخه‌های به‌جامانده از *نورافشان* نشان می‌دهد که این روزنامه یک دوره در سال‌های ۱۳۲۵ و ۱۳۲۶ منتشر می‌شده است. به درستی مشخص نیست که این دوره منقطع از دوره قبل (که از سال ۱۳۲۲ آغاز شده بود) بوده و یا اینکه *نورافشان* طی سال‌های ۱۳۲۲ تا ۱۳۲۶ به صورت مداوم منتشر می‌شده است؛ احتمالاً این دوره سوم یا چهارم انتشار این نشریه بوده است. از طرفی غلامحسین صالحیار دوره انتشار *نورافشان* را از سال ۱۳۲۲ تا سال ۱۳۳۴ به مدت ۱۱ سال ذکر می‌نماید.<sup>۱</sup> به نظر می‌رسد وی با احتساب دوره‌های توقف و تعطیلی، از دوره یازده‌ساله سخن می‌گوید. علاوه بر این، او نخستین دوره انتشار روزنامه، یعنی سال‌های ۱۳۰۹ تا ۱۳۱۱ و سپس دوره دوم را که از سال ۱۳۱۶ آغاز شده بود نادیده گرفته است. محمد دانشور که در سال ۱۳۲۴ به بوشهر سفر کرده است، در باب روزنامه *نورافشان* می‌نویسد: «... روزنامه ایشان در آن موقع که من آنجا بودم اصلاً منتشر نمی‌شد و بعداً هم در هر چند ماهی یک دفعه انتشار پیدا می‌کرد.»<sup>۲</sup>

بنابراین، به نظر می‌رسد آنچه پیام نوشته است صحیح‌تر باشد (اشاره این روزنامه به دوره انتشار هفت‌ساله) و روزنامه *نورافشان* تا سال ۱۳۳۳ به طور قطع منتشر می‌شده است، اما نه به صورت مرتب بلکه به صورت منقطع و در فواصل زمانی مختلف، که اگر بخواهیم اظهارات دانشور را بپذیریم گاه هر چند ماه یک بار منتشر می‌شده است. به هر حال به خاطر نبود آرشیو کاملی از نشریه *نورافشان* و نیز نبود اطلاعات دقیق در منابع معاصر، سخن گفتن از دوران انتشار دقیق این روزنامه مشکل است. در آخر باید گفت روزنامه *نورافشان*، به‌عنوان نخستین روزنامه بانوان در ایالت فارس، نقطه عطفی در تاریخ مطبوعات فارس به شمار می‌رود. در زمانی که تلاش زنان شیرازی برای ورود به عرصه مطبوعات هنوز به ثمر نرسیده بود، شوکت سلامی در یکی از شهرستان‌های ایالت فارس موفق به دریافت امتیاز و انتشار روزنامه شد. علاوه بر این، وی با انتشار مقالات و مطالبی در حمایت از زنان و حقوق آنها، در تاریخ فارس و تاریخ زنان از جایگاه خاصی برخوردار است.

## نتیجه‌گیری

شوکت سلامی از نخستین زنان ایرانی است که پس از انقلاب مشروطه و در دوران پهلوی اول موفق به انتشار روزنامه در ایالت فارس گردید. وی نه تنها به روزنامه‌نگاری علاقه‌مند بود، بلکه به تحصیل دختران و سوادآموزی آنها نیز توجه داشت. چنانکه با تلاش‌های بسیار موفق به تأسیس نخستین مدرسه دخترانه به سبک نوین در شهر بوشهر شد. وی سپس روزنامه *نورافشان* را به‌عنوان نخستین تجربه

۱. غلامحسین صالحیار، *چهره مطبوعات معاصر (تهران: پرس اجنت، ۱۳۵۱)*، ص ۱۹۱.

۲. محمد دانشور، *دین‌ها و شنیدنی‌های ایران (تهران: دنیای کتاب)*، ص ۱۸۲.

روزنامه‌نگاری زنان در ایالت فارس منتشر کرد. در باب مشی سیاسی شوکت سلامی، منابع مختلف به راست‌گرایی و محافظه‌کار بودن وی اشاره دارند، اما تلاش‌های وی در تأسیس مدرسه برای دختران و حمایت از سوادآموزی زنان نشان می‌دهد ایشان در واقع زنی روشنفکر و آگاه بوده است. او به‌خوبی می‌دانست نخستین قدم برای نجات زنان از جهل و نادانی آموزش سواد به آنان است. به همین سبب اقدام به تأسیس مدرسه دخترانه نمود و توانست سوادآموزی به سبک نوین را در بوشهر بنیان نهد.

## کتابنامه

- آتشی، منوچهر. «ابدیت اندوه»، آئینه جنوب، بوشهر: س ۲، ش ۴۹، ۱۳۷۴.
- آفاری، ژانت. «گذار از میان صخره و گرداب: دگرگونی نقش زن و مرد در ایران قرن بیستم»، *ایران‌نامه*، ش ۵۹، ۱۳۷۶، ص ۳۶۵-۳۸۸.
- آفاری، ژانت. *انجمن‌های نیمه سری زنان در نهضت مشروطه*، ترجمه جواد یوسفیان، تهران: نشر بانو، ۱۳۷۷.
- ابوترابیان، حسین. *مطبوعات ایران از شهریور ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۶*، تهران: اطلاعات، ۱۳۵۶.
- احمدی خراسانی، نوشین. *زنان زیر سایه پدرخوانده‌ها*، تهران: نشر توسعه، ۱۳۸۲.
- اختر. س ۲، ش ۳۶، ۱۰ صفر ۱۲۹۳/۷ مارس ۱۸۷۶.
- اعظام قدسی، حسن. *کتاب خاطرات من (یا روشن شدن تاریخ صد ساله)*، بی‌جا: بی‌نا، ۱۳۴۲.
- پاولویچ، میخائیل. *سه مقاله درباره مشروطه*، ترجمه م. هوشیار، تهران: حبیبی، ۱۳۵۷.
- پیغام. س ۱، ش ۱۸، فروردین ۱۳۲۳.
- تاج‌السلطنه. *خاطرات تاج‌السلطنه*، به کوشش منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان، تهران: نشر تاریخ، ۱۳۷۸.
- تمدن. س ۱، ش ۱۲، ۷ ربیع‌الاول ۱۳۲۵.
- ثریا. س ۱، ش ۱۰، ۱۹ شعبان ۱۳۱۶/۳۱ دسامبر ۱۸۹۹.
- حبل‌المتین. س ۱۴، ش ۴۰، ۲۱ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵/۳ ژوئن ۱۹۰۷؛ س ۱۴، ش ۱۷، دوشنبه ۱۶ شوال ۱۳۲۴/۳ دسامبر ۱۹۰۶؛ س ۱۶، ش ۳۳، ۲۲ صفر ۱۳۲۷.
- دانش. س ۱، ش ۱، ۱۰ رمضان ۱۳۲۸؛ س ۱، ش ۲، پنجشنبه ۲۴ رمضان ۱۳۲۸؛ ش ۳، ۹ شوال ۱۳۲۸.
- دانشور، محمد. *دیدنی‌ها و شنیدنی‌های ایران*، تهران: دنیای کتاب، ۱۳۸۲.
- دلریش، بشری. *زن در دوره قاجار*، تهران: دفتر مطالعات دینی هنر، ۱۳۷۵.
- رابینو، ل. *روزنامه‌های ایران از آغاز تا سال ۱۳۲۹*، ق، ترجمه و تدوین جعفر خمami‌زاده، تهران: اطلاعات، ۱۳۷۲.
- رشدیه، شمس‌الدین. *سوانح عمر*، تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۲.
- رومی، سیروس. *شناسنامه مطبوعات فارس*، شیراز: نوید شیراز، ۱۳۸۸.
- رینگر، مونیکا ام. *آموزش، دین و گفتمان اصلاح فرهنگی در دوران قاجار*، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، تهران: ققنوس، ۱۳۸۱.
- زاهد، سعید و بیژن خواجه نوری. *جنبش زنان در ایران*، شیراز: ملک سلیمان، ۱۳۸۴.



- زبان زنان. س ۲، ش ۹، ۳ رمضان ۱۳۳۸.
- سعیدی سیرجانی، علی‌اکبر. وقایع/تفاهیم، تهران: نوین، ۱۳۶۲.
- شوستر، مورگان. اختناق در ایران، ترجمه عبدالحسین شوشتری، تهران: صفی‌علیشاه، ۱۳۵۱.
- شیخ‌الاسلامی، پری. زن در ایران و جهان: زنان روزنامه‌نگار و اندیشمند ایران، تهران: مازگرافیک، ۱۳۵۱.
- صالحیار، غلامحسین. چهره مطبوعات معاصر، تهران: پرس اجنت، ۱۳۵۱.
- صدر هاشمی، محمد. تاریخ جراید و مطبوعات، اصفهان: انتشارات کمال، ۱۳۳۷.
- صور اسرافیل. س ۱، ش ۸، ۲۱ جمادی‌الاول ۱۳۲۵.
- فارسانی، سهیلا ترابی. اسنادی از مدارس دخترانه از مشروطیت تا پهلوی، تهران: سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۸.
- قاسمی پویا، اقبال. مدارس جدید در دوره قاجاریه، بانیان و پیشروان، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۷.
- کتاب‌آبی. به کوشش احمد بشیری، ج ۱، تهران: نشر نو، ۱۳۶۲.
- کرمانی، ناظم‌الاسلام. تاریخ بیداری ایرانیان، تهران: نوین، ۱۳۶۲.
- مستوفی، عبدالله. شرح زندگانی من (تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه)، ج ۱، تهران: زوار، ۱۳۲۱.
- مشایخی، عبدالکریم. آموزش و پرورش شهرستان بوشهر، قم: صحیفه خرد، ۱۳۹۵.
- ملک‌زاده، مهدی. تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، تهران: علمی، ۱۳۷۱.
- نورافشان. س ۲، ش ۱۹، ۲۹ فروردین ۱۳۱۷؛ س ۱۶، ش ۶، ۷ خرداد ۱۳۲۵؛ ش ۷، ۱۷ خرداد ۱۳۲۵؛ س ۱۷، ش ۲۲، ۳۰ تیر ۱۳۲۶.
- واتسن، رابرت گرانت. تاریخ ایران در دوره قاجار، ترجمه عباسقلی، بی‌جا: بی‌نا، ۱۳۴۰.
- یاحسینی، قاسم. مطبوعات بوشهر رکنی اساسی در تاریخ روزنامه‌نگاری ایران، بوشهر: اداره کل فرهنگ ارشاد اسلامی استان بوشهر، ۱۳۷۴.